

تاریخ ۲۲ / ۰۱ / ۲۰۰۹

یاب نو هوپ شفر
مترجم: دیپلماسی - آرزو دیلمقانی

افغانستان و درس‌هایی که آموختیم

به مناسبت شصتمین سال تاسیس ناتو، سران کشورهای عضو با یکدیگر ملاقات خواهند کرد. این دیدار تنها یک جشن نخواهد بود؛ بلکه بخشی از اولین دیدار باراک اوباما به اروپا به عنوان رئیس جمهور امریکا است

هفت سال از زمانی که نیروهای افغان که توسط امریکا حمایت می شدند طالبان را از قدرت ساقط کردند می گذرد. کاملاً مشخص است که روند توسعه در افغانستان از آن زمان آغاز شده است: انتخابات دموکراتیک، آزادی های زنان و حضور آنها در زندگی اجتماعی، توسعه شاخص در امور صحتی و تعلیم و تربیه و بسیاری از موارد دیگر.

اما اگر بخواهیم صادقانه در این مورد قضاوت کنیم باید بگوئیم که ما آنجائی که انتظار داشتیم، نیستیم. در حالی که شمال و غرب افغانستان در صلح به سر می برند، جنوب و شرق این کشور، از بی امنیتی و تأثیرات مواد مخدر رنج می برند. افغان ها به طور عمومی در بازسازی کشورشان دچار شکست شده اند.

ناتو و نیروهای بین المللی امنیتی که توسط ناتو رهبری می شوند در تعجب هستند که این عملیات چقدر به طول خواهد انجامید و ما چه تعدادی از زنان و مردان جوان خود را در یونیفورم های خدمت از دست خواهیم داد. در اوایل ماه اپریل، به مناسبت شصتمین سال تاسیس ناتو، سران کشورهای عضو ناتو در استراسبورگ و راین با یکدیگر ملاقات خواهند کرد. این دیدار تنها یک جشن نخواهد بود؛ بلکه بخشی از اولین دیدار باراک اوباما به اروپا به عنوان رئیس جمهور امریکا خواهد بود و همچنین این دیدار زمانی است برای بحث و گفت و گو میان رهبران هم پیمان در مورد آینده ماموریت در افغانستان.

من بر این باورم که پنج درس بزرگ در این راه آموخته ایم که به بحث ها شکل دیگر خواهد داد و راهنمایی برای آینده این ماموریت خواهد بود

درس اول: رهبری در افغانستان آرمانی دور دست نیست. - چیزی است که ما هر چه زودتر به آن نیاز داریم و باید بر روی آن تمرکز و پافشاری کنیم. مشکلات اصلی در افغانستان به طور کامل به طالبان ارتباط ندارد. افغان ها نیازمند دولتی هستند که بتوانند به آن اعتماد داشته باشند.

جامعه بین المللی باید در این راه حمایت های خود را از دولت انتخابی در افغانستان دریغ نکند. اما ما مصارف مالی و جانی زیادی در این راه داده ایم و امروز این حق را داریم که از دولت افغانستان بخواهیم که اقدامات محکم تر و نیرومند تری را آغاز کند، هرچند که این مسئله نیازمند انتخاب سیاسی سختی می شود.

درس دوم: ناتو نیز نیازمند نزدیکی بیشتر است. عملیات ما در افغانستان همچنان منسجم نیست چراکه کشورهای مستقلی در قسمت های مختلف جغرافیایی افغانستان به طور جداگانه فعالیت می کنند. مزیت این مسئله اینست که کشورهای مستقل تجربه خوبی در زمینه محلی ها دارند و در زمینه توسعه این مناطق و عملیات نظامی موفق هستند.

نقطه ضعف حضور این کشورها در اینست که پیشنهادها و خواسته های این کشورها برای عملیات نظامی و کمک های آنها برای توسعه در یک کشور متفاوت است و همین امر سبب تأثیر کارها را کاهش داده و از یکپارچگی در راستای یک هدف مشخص می کاهد. ما باید گام هایی برداریم که دارای خواست ها و هدفهای مشخص تری است.

درس سوم: افغانستان یک جزیره نیست. میتوان مشکلات این کشور را بدون در نظر گرفتن سرحدات آن حل کرد. چالش هایی که پاکستان با آنها درگیر است به طور بنیادی به مشکلات افغانستان در ارتباط است؛ همچنین از نظر

سیاسی روابط هند و پاکستان نیز بالای افغانستان بی تاثیر نیست. بنا براین تمام کشورهای همسایه افغانستان باید برای آنچه که در افغانستان اتفاق می افتد تمایل و توجه بیشتری نشان دهند.

ما نیازمند پیشنهادهای بیشتری در حوزه منطقه ای هستیم. تمام کشورهای همسایه باید برای برطرف کردن چالش های موجود در افغانستان همکاری کنند

درس چهارم: ما نمیتوانیم برای رسیدن به خواست های مشترک یاره گویی کنیم. ما بارها اعلام کرده ایم که نیروهای نظامی به تنهایی نمی توانند برای مشکلات افغانستان چاره یابی کنند. اما ما مجبوریم که به عملیات نظامی خود در این منطقه ادامه دهیم.

در همین راستا، نیروهای پلیس باید حمایت بیشتری داشته باشند. کمک برای توسعه این کشور باید با برنامه ریزی بهتری انجام شود. نیروهای سازمان ملل در افغانستان باید تقویت شوند و مسلماً دولت افغانستان باید تصمیم های مهم و سختی را برای تشکیل دولت عاری از فساد و موثر اتخاذ کند تا مردم هم بتوانند بر آن دولت اعتماد کنند. هرچه زمان بیشتری برای رسیدن به این مسائل بیشتر باشد ما نیازمند ادامه بیشتر عملیات نظامی خواهیم بود که در واقع صدمات جانی در بردارد.

درس پنجم: ارتباطات به عنوان دومین وظیفه کارمندان روابط عمومی نیست بلکه در اولویت اول قرار دارد. این استنباط در غرب وجود دارد که افغان ها خواهان حضور نیروهای خارجی در کشور خود نیستند: اما واقعیت نشان می دهد که ۷۰ فیصد از مردم از حضور نیروهای ایساف حمایت می کنند. این درست است که توجه زیادی بر روی خطاهایی که نیروهای ایساف در این منطقه انجام داده اند می شود اما کسی به تعداد انسان هایی که طالبان جان آنها را می گیرد توجهی نمی کند که در واقع پنج برابر است.

ما نیاز داریم که جامعه بین المللی، روابط استراتژیک را در اولویت قرار دهد. ما باید بتوانیم نشان دهیم که روند خوبی را برای رسیدن به هدف خود ادامه داده ایم و باید به جهان نشان دهیم که طالبان همچنین جان انسان ها را می گیرند. از حقوق بشر سوء استفاده می کنند. اینها همه چالش هایی بزرگ است. برای مقابله با آنها باید پیشنهادهای جدید و تازه با منابع جدید و تصمیمات مهم سیاسی داشته باشیم. اما این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که هزینه شکست در این راه بسی بیشتر است.

بی ثباتی در منطقه ای بی ثبات، مکانی امن برای تروریسم بین المللی و رنج افغان ها در پی شکست ما در این منطقه به وجود خواهد آمد و ما نمی توانیم این مصرف را بپردازیم. به همین دلیل است که من با اعتماد می گویم که بدون همکاری بیشتر جامعه بین المللی نمی توانیم به درس هایی که در این منطقه آموخته ایم برای رسیدن به اهداف آینده استفاده کنیم.